

بی تو...

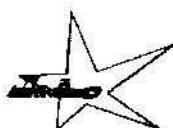
فاطمہ میر

سرشناسه : میر، فاطمه، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور : بی تو ...
مشخصات نشر : تهران: مفید، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۶۸ ص.؛ ۱۱،۵ × ۲۱ س.م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۳-۷۱-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیهای مختصر
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۶۳۱۴

بی تو ...

نویسنده: فاطمه میر
ویراستار: زینب شهبازی
چاپ: پنج رنگ
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۳-۷۱-۷



انتشارات مفید

۰۹۱۹۵۸۳۸۷۹۹

فهرست

۶.....	مقدمه
۷.....	فایده‌ی امام غایب!
۱۵.....	دیدار یا ارتباط با امام؟
۲۱.....	انتظار، اولین وظیفه
۲۵.....	چرا باید آماده باشیم؟
۲۸.....	انتظار و امید
۳۱.....	جهاد علمی و عملی
۳۶.....	اصلاح جامعه و حکومت
۴۳.....	محبت، وظیفه‌ی دیگر
۴۶.....	عشق، مبدأ خلقت
۵۰.....	جادوی عشق
۵۴.....	تبصره‌ای بر عشق
۵۷.....	امام، رمز فلاح
۶۲.....	تزکیه کنیم
۶۵.....	چرا بدتر می‌شویم؟

مقدمه

یکی از نیازهای فطری انسان، عاشق شدن است؛ نیازی که او را وادار می‌کند دنبال محبوب و معشوق بگردد. اما هر معشوقی، برطرف‌کننده‌ی حقیقی این نیاز نیست. فطرت و دین، تنها خدا و اولیائش را معشوق حقیقی انسان معرفی می‌کند؛ که باید به آنان معرفت داشت تا دل به گرد اغیار نرود.

اما واقعاً ما چقدر امامان را می‌شناسیم؟ همین که انسان خوبی است و باید از او الگو بگیریم؟! آیا به عمق رابطه‌ی وجودمان با امام پی برده‌ایم؟ آیا می‌دانیم او به اذن خدا چه نقشی در هستی ما دارد؟!... با کسب معرفت صحیح به امام است که قلبمان برای ارتباط با او، به پیش می‌افتد و از فراقش بی‌تاب می‌شود. اما اکنون بیش از هزار سال است که امام و واسطه‌ی هستی غایب است و ما به راحتی به زندگی خود مشغولیم؛ گه‌گاه هم برای فرجش دعا می‌کنیم! چرا؟ چون معرفت نداریم. اما آیا منتظر، این گونه است؟

در این کتاب می‌خواهیم در جهت معرفت امام

غایب، ولی همیشه حاضرمان، گامی برداریم و با این معرفت، دریچه‌ای نه برای دیدار ظاهری، بلکه برای ارتباط جانمان با او باز کنیم. در ادامه نیز وظایفی را که برای تحقق این ارتباط بر دوشمان است، یادآور می‌شویم؛ **إن شاء الله.**

فایده‌ی امام غایب!

سال‌هاست آخرین امام شیعه، غایب است. اما نه فقط شیعه، بلکه فطرت آدمیان، تاب فراق این یگانه را نداشته و ندارد. در مکاتب عقلی و فلسفی و مذاهب دینی بسیاری، درست یا غلط از امام گفته‌اند و نوشته‌اند. بسیاری نیز بر فطرتشان پرده انداخته و با شبهه‌اندازی، حتی اصل وجود امام را انکار کرده‌اند. اما خورشید پرفروغ او همچنان بر گستره‌ی هستی، نور می‌بخشد.

یکی از شبهاتی که پیرامون مسئله‌ی غیبت مطرح شده، این است: امام غایب، فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند بر جهان هستی، حتی نظارت داشته باشد!

در پاسخ این شبهه، ابتدا باید بدانیم ملاک هستی و فایده داشتنِ موجود چیست. آیا هر موجود حتماً باید برای دیگران فایده داشته باشد؟ و اگر چنین نبود، باید بگوییم بی‌فایده است؟ خیر؛ بودن و هستی هر موجود، پیش از هر چیز برای خودش فایده است؛ اگرچه برای دیگران مفید نباشد. یعنی خداوند، اشیاء را فقط برای

استفاده‌ی دیگران به وجود نیآورده؛ بلکه هر شیء، خودش با گرفتن فیض وجود، فایده برده است.

از این گذشته، اگر هم بگوییم هر شیء حتماً باید برای دیگران فایده داشته باشد، چه لزومی دارد که حتماً برای انسان، مفید باشد؟! پس اصلاً جای اعتراض نیست و حتی دلیل اعطای وجود به موجودات دانی هستی، فایده رساندن به ما نبوده؛ چه رسد به اینکه فکر کنیم وجود انسان کامل که گل سرسبد هستی است، به خاطر ما آفریده شده و باید به حال ما سود داشته باشد، وگرنه مفید نیست!

متأسفانه اغلب ما علت ایجاد امام زمان علیه السلام را نفهمیده‌ایم. ائمه علیهم السلام نه برای ما، که برای ظهور بندگی خدا، خلق شده‌اند. پس ما از آنان طلب‌کار نیستیم. اما به هر حال یکی از مسیرهای ارتقاء و قرب و اتصال آنان به خداوند، فایده رساندن به انسان‌هاست؛ بلکه وجودشان عین خیر برای تمام هستی است، چه در ظهورشان و چه در عصر غیبت.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...»^۱. علامه طباطبائی رحمته الله درباره‌ی این آیه آورده‌اند: «عمل امام هرچه باشد، خیراتی است که به سوی آن هدایت شده، نه به

هدایت دیگران، بلکه به هدایت خود و به تأیید الهی و تسدید ربّانی^۱؛ و در جای دیگر می‌نویسند: «فعل خیرات [از آنان] تحقق یافته، به این معنا که وحی، متعلق به فعل صادر از ایشان شده. ساده‌تر اینکه خیرات که از ایشان صادر می‌شده، به وحی و دلالت باطنی و الهی بوده که مقارن آن صورت می‌گرفته است.»^۲

امام به اذن حق تعالی، محور کل هستی است؛ که اگر او نبود، هیچ موجودی نبود. الآن هم اگر لحظه‌ای نباشد، هیچ موجودی باقی نخواهد ماند. پس امام، حق وجود و حیات بر تمام موجودات و از جمله انسان دارد. هر موجودی هم که در دار هستی، بقای ما را تأمین می‌کند، به یمن وجود اوست؛ اعم از آب، باران، هوا، استقرار زمین و خوردنی‌ها. البته در اصل، خداوند فیض وجود را افاضه می‌کند؛ اما امام است که پیوسته این فیض را می‌گیرد و به ما می‌رساند.

انسان کامل، مخزن هر خیر است؛ چنان‌که در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌خوانیم: «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ، كُنْتُ أَوَّلَهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ»^۳. او، مصدری است که تمام کمالات و خیرات از آنجا صادر می‌شود. او سبب نزول رحمت است که رحمت را از خدا اخذ

۱- ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲- ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۴۳۰.

۳- اگر ذکر خیر شود، شما آغاز آن و ریشه و شاخه و معدن و مأوا و نهایتش هستید.

می‌کند و به بندگان می‌رساند: "يُؤْتِيهِمُ رِزْقَ الْوَرَى" ^۱.

امام، حُجَّت خداست. اسم "حُجَّت"، پراکندگی‌ها را جمع می‌کند و اگر بر اشیاء حاکم نباشد، تمام اجزاء آن‌ها از هم می‌پاشد. الآن اگر آسمان و زمین، هر کدام کار خود را می‌کنند، اگر چشم ما می‌بیند، گوشمان می‌شنود، قلب و معده روده‌مان فعال است، سلول‌های بدنمان پیوسته در تغییر و تبدل‌اند، موی سرمان می‌روید، ناخنمان بلند می‌شود و خلاصه تمام طبیعت و سیستم فیزیکی بدن ما کار خود را انجام می‌دهد و متفرق نمی‌شود، به یُمن وجود امام و اسم "حُجَّت" است؛ وگرنه طبق روایت: "لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا" ^۲.

به واسطه‌ی وجود امام، بلا از اهل دنیا رفع می‌شود. روایت شده است زکریا بن آدم - که در قم ساکن بود - از نادانی مردم به حضرت رضا علیه السلام شکایت کرد و گفت: می‌خواهم از این شهر بروم! حضرت به او پاسخ دادند:

"لَا تَفْعَلْ! فَإِنَّ أَهْلَ قَمٍّ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بَكَ؛ كَمَا يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام". ^۳

این کار را نکن! همانا به واسطه‌ی تو، بلا از اهل قم دفع می‌شود؛ همان طور که به واسطه‌ی پدرم موسی بن جعفر علیه السلام از اهل بغداد دفع می‌شد.

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۷۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۷۸.

وقتی وجود یک مؤمن، منشأ نزول برکات و دفع بلا از یک شهر است، وجود امام زمان علیه السلام که مؤمن اتم و اکمل است، چه برکتی در تمام هستی دارد! به فرموده‌ی خود ایشان:

"أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِیْ يَسْذَفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَشِيعَتِی."^۱

من خاتم اوصیاء هستم و خدا به واسطه‌ی من، بلا را از اهل و شیعه‌ام دفع می‌کند.

علاوه بر این آثار تکوینی، امام در جنبه‌ی تشریع نیز واسطه‌ی هدایت و رهبری انسان‌هاست؛ همان وسیله‌ای که خداوند در قرآن کریم از انسان خواسته با آن به او تقرّب جوید و این وسیله در روایت، امام معرفی شده است.^۲ امام، همان باب الله است که قرآن فرموده از آن وارد شوید: "...وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا..."^۳ و روایت داریم:

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۲- سوره مائده، آیه ۳۵: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ..." ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله جوید. در ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۱۵ از تفسیر قمی نقل شده که ذیل این آیه آمده است: امام فرمود: یعنی به وسیله امام به درگاه او تقرّب جوید. در همین صفحه، همچنین روایت دیگری از ابن شهر آشوب نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: منم وسیله‌ی خدای تعالی.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۹: و از در به خانه‌ها وارد شوید. در بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: "نَعْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُؤْتَى مِنْ أَبْوَابِهَا وَنَعْنُ بَابُ اللَّهِ وَبُيُوتُهُ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهُ..." ما آن خانه‌هایی هستیم که خدا دستور داده از در آن‌ها وارد شوند؛ و ما باب‌الله و بیوت او هستیم که باید از آن وارد شد.